



در حال حاضر
ما از شاغلان
کارگری که
خودشان وضع
مالی مساعدی
ندارند پول
می گیریم و
این پول را به
بازنشستگان
می دهیم.
در حالی که
این کارگران
خبر ندارند که
پولشان صرف
چه اموری
می شود. در
آینده نیز در
پرداخت حقوق
بازنشستگی به
همین کارگران
دچار بحران
می شویم
و مجبوریم
کمک های
بیشتری از
دولت بخواهیم

نمی توانیم کاملاً اصلاح در صندوق ها داشته باشیم. چون عملاً دیگر صندوقی وجود ندارد؛ صندوقی که تمام کسورات کارکنان فعلی اش را به عنوان حقوق به بازنشستگان می دهد، باز هم ۸۰ درصد از پرداخت هایش از جانب دولت است، با چه قانونی می تواند دوباره روی پای خود بایستد؟

➤ راه حل پیشنهادی شما برای حل بحران صندوق ها چیست؟

به نظر من ما باید فعالیت این چنینی تمام صندوق ها را تا به اینجای کار متوقف کنیم و تعهدات کارکنانی را که تا به اکنون در صندوق ها حق دارند پرداخت کنیم به هر طریقی که ممکن است و پس از انجام این کارها صندوقی جدید براساس قوانین درست پایه گذاری کنیم. دیگر نباید کسورات کارمندان فعلی به خاطر خطای صندوق ها، صرف پرداخت حقوق بازنشستگی کارمندان فعلی شود. ما باید ورودی صندوق های فعلی را قطع کنیم و با قوانین پارامتریک، تعهدات صندوق های فعلی را کاهش دهیم. از این طریق قدری ورشکستگی را تعدیل و اصلاح کنیم؛ ولی امید به مستقل شدن صندوق های فعلی نداشته باشیم؛ چون این کار عملی نیست. این تعهدات را در ۲۰ یا ۳۰ سال پرداخت کنیم؛ ولی در کنار آن صندوق های جدیدی پایه ریزی کنیم که مبنای عملکرد آنها علمی و براساس محاسبات آکچوئری باشد. از نظر من تنها راه سرپا کردن صندوق ها حساب انفرادی است. درواقع با اجرای تلفیقی از دی بی و دی سی که همه جای دنیا در حال اجراست، می توانیم قوانینی اخذ کنیم تا این مشکل حل شود. قوانین باید به گونه ای باشد که فرد بیمه شده بداند هرچقدر پول به عنوان کسورات پرداخت کند، به همان میزان در زمان بازنشستگی اش پول دریافت می کند و فرد باید احساس کند که هرچقدر کمتر در پی بهره برداری سوء از سیستم باشد بیشتر به نفع خودش است. در حال حاضر افراد فکر می کنند که هرچقدر کمتر پول به صندوق ها واریز کنند تأثیری در میزان دریافت آنها در زمان بازنشستگی ندارد؛ یعنی افراد خود را در سرنوشت صندوق سهیم نمی دانند. متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی طرحی داده بود که دوسال آخر کار برای کارمندان برای آنها به عنوان اضافه کار هم حساب می شد. این فعالیت ها صندوق را از حالت بیمه ای به حالت حمایتی تغییر می دهد.



بحثی که آقای دکتر مطرح می کنند بحث صحیحی است؛ اما در کشوری می تواند صورت بگیرد که مسئولان و مدیران آن کشور به گفتمانی پیرامون عدالت اجتماعی و رویکردهای آن در صندوق بیمه اجتماعی توجه داشته باشند. ما یک قانون خوب می نویسیم، مجلس و دولت آن را لغو می کنند، در واقع ما نفهمیدیم چه چیزهایی مهمی داشتیم و از دست دادیم و خود این داشته های مهم را تبدیل به بحران خطرناک کردیم. ما تأمین اجتماعی می خواهیم، تأمین اجتماعی کارآمد و اثربخش، حال این کارآمدی و اثربخشی چیست، بحث مهمی است که اشکال آن مختلف است. ما نیازمند دولتی هستیم که از خود از حساب و کتاب های موجود در صندوق ها دفاع کند. به نظر من بهترین کار این است که ما صندوق های انفرادی باز کنیم و



دولت یارانه ها و پول های مربوط به رفاه اجتماعی را به این صندوق های انفرادی بدهد. این امر باعث به وجود آمدن عدالت، انصاف و آرامش بیشتر برای جامعه است. رقم ۲۳۵ هزار میلیارد تومان پولی که صرف فعالیت های حمایتی و بیمه ای در کشور ما می شود، در مقایسه با رقم کل Gnp ما بسیار بالاست و اگر کشور ما کشوری بود که در زمینه های حمایتی فعالیت درستی داشت، ما شاهد تعداد زیادی متکدی و کودکان کار در خیابان ها نبودیم. در کشوری مثل برزیل اگر یارانه ای پرداخت می شود، این یارانه هدمند است. ما در حال حاضر ۴۵ هزار میلیارد تومان پول صرف پرداخت یارانه می کنیم؛ در حالی که هیچ بازخوردی از این فعالیت حمایتی دریافت نمی کنیم. مسئولان و حاکمان جامعه باید متوجه باشند که برای عدالت اجتماعی وقت جدی بگذارند و درباره بحران موجود در صندوق ها گفتمان داشته باشند که از طریق راهبردهای پیشنهادی در این گفت وگوها چگونگی برپایی صندوق های کارآمد استخراج می شود. در طول چند دهه، صندوق های انفرادی به همراهی کمک های حمایتی دولت به صورت یارانه با پشتوانه نفت، می تواند موجبات آرامش و عزت نفس جامعه برای زندگی بهتر را رقم بزند؟ وضع موجود در کشور ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. در حال حاضر ما از شاغلان کارگری که خودشان وضع مالی مساعدی ندارند پول می گیریم و این پول را به بازنشستگان می دهیم. در حالی که این کارگران خبر ندارند که پولشان صرف چه اموری می شود. در آینده نیز در پرداخت حقوق بازنشستگی به همین کارگران دچار بحران می شویم و مجبوریم کمک های بیشتری از دولت بخواهیم. پیام من این است که آقای دولت، ۲۳۵ هزار میلیارد تومان پول امور حمایتی و بیمه ای پول کمی نیست و نیازمند گفتمان و راهبرد جدید، نظم نهادی و سازمان جدیدی است. حرف من این است که فعالیت های حمایتی و بیمه ای در کشور ما به هم در آمیخته اند. ما ابتدا باید در اصول حمایتی و بیمه ای یک سری اصول را قبول کنیم.

➤ یعنی نظر شما این است که چون حاکمیت هنوز به بلوغ فکری کافی برای درک مبانی محاسبات صندوق ها نرسیده است، حتی اگر پیشنهاد آقای دکتر عسگری آزاد را هم عملی کنیم باز به همین وضعیت فعلی دچار می شویم؟

از نظر من نظامات بیمه های تأمین اجتماعی و حمایتی، تحولی و تکمیلی نیست و حالت ثابت ندارد. در واقع از الان یک قانون وضع می شود که از این به بعد شاغلان جدید پول های شان را به صندوق جدا واریز کنند و صندوق هم متعهد تمام موجودی هاست. بعد با عوض شدن دولت، تمامی صندوق ها نیازمند هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه هستند. دولت توانایی پرداخت چنین پولی را ندارد و یا در زمان احمدی نژاد دولت عنوان کرد من اصلاً چنین صندوق هایی را قبول ندارم. در چنین شرایطی چه کار باید کرد؟ دلیل اینکه این سؤال را زود پاسخ ندادم، همین است؛ چون بحث شیر یا خط نیست. در بحث های پیش آمده در ILO به این نتیجه رسیدند در بین سه نهاد کارگری، کارفرمایی و دولت، نهاد دولت چون پایدار است باید تعهدات لازم را بپذیرد.

